

بازشناسی شخصیت رجالی «حنش بن معتمر»

سید مهدی لطفی^۱

زهرا محقیان^۲

چکیده

با این که حنش بن معتمر در سلسله سند چندین روایت از روایات شیعه حضور دارد، اما اطلاعات چندانی درباره این راوی در منابع رجالی شیعه وجود ندارد. در منابع رجالی اهل سنت نیز اظهار نظرهای متناقضی درباره وثاقت یا ضعف این راوی صورت گرفته است. در منابع شیعه و اهل سنت، چهارده روایت از طریق حنش بن معتمر در مسائل اعتقادی، اخلاقی و فقهی وارد شده که مضمون بیشتر آنها، اثبات برتری و تفضیل حضرت علی علیه السلام نسبت به سایر صحابه و بیان جایگاه والای آن حضرت نزد پیامبر صلی الله علیه و آله است. به نظر می رسد که دلیل تضعیف وی از سوی برخی از رجالیان اهل سنت نیز روایات وی درباره حضرت علی علیه السلام است. افزون بر این، نام وی در منابع روایی شیعه و اهل سنت به شکل های مختلف «حنش بن ربیع»، «حنش کنانی» و «حنش بن مغیره» ثبت شده که در پاره ای از منابع اهل سنت، این نام ها برای افراد مختلفی در نظر گرفته شده اند.

مقاله حاضر، پس از بررسی هویت راوی و بازشناسی اسامی مختلف راوی در روایات، وضعیت رجالی وی را نیز از نظر وثاقت و ضعف بررسی خواهد کرد.

کلیدواژه ها: حنش، حنش بن معتمر، رجال، حنش بن علی، حنش بن عبد الله صنعانی.

مقدمه

گاهی در کتب رجالی، به راویان مشترکی بین شیعه و اهل سنت برمی خوریم که به شرح

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان (m.lotfi@ltr.ui.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان (z.mohaghegh89@yahoo.com).

حال آنها در هر دو فرقه توجه شده است. یکی از این راویان، «حنش بن معتمر» است که احادیثی از وی در کتب روایی شیعه و اهل سنت وارد شده است. در در منابع روایی شیعی، به جز «حنش بن معتمر»، فرد دیگری با نام «حنش» شناخته شده نیست، اما منابع رجالی شیعه به گونه‌ای از این فرد یاد کرده‌اند که افراد مختلفی به نظر می‌رسند. در منابع روایی اهل سنت نیز از شش راوی با نام حنش، روایت نقل شده است که منابع رجالی اهل سنت قایل به اتحاد برخی از آنها هستند. افزون بر این، در مواردی نیز نام حنش به طور مطلق به کار رفته است که مشترک بین راویان مختلف خواهد بود و نیازمند بازشناسی نام راوی است.

جدای از نام راوی، در باره بوم و وثاقت یا ضعف وی نیز در منابع رجالی اتفاق نظری وجود ندارد. در منابع رجالی شیعه، به جز شیخ طوسی - که نام حنش بن معتمر را در زمره راویان حضرت علی علیه السلام ذکر کرده است^۳ - اطلاعات دیگری در باره وی وجود ندارد، اما منابع اهل سنت اطلاعات مختلفی در باره بوم وی و وثاقت و ضعفش ارائه کرده‌اند. برخی از منابع اهل سنت وی را فردی ثقه،^۴ دسته‌ای نیز ضعیف^۵ دانسته‌اند. برخی از رجالیان اهل سنت، از جمله ابن حبان،^۶ به طور ضمنی، دلیل تضعیف حنش را روایات وی می‌دانند. بررسی روایات حنش نیز حاکی از مضمون خاص روایات وی در باره حضرت علی علیه السلام است. بیشتر روایات وی در موضوع اثبات برتری حضرت علی علیه السلام نسبت به دیگر خلفا و ترسیم جایگاه رفیع حضرت علی علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. شاخص‌ترین روایت وی، حدیث سفینه نوح است که با طرق مختلفی از وی نقل شده است. با در نظر گرفتن مضمون روایات وی، احتمال تضعیف وی در دیگر منابع اهل سنت به دلیل چنین روایاتی افزایش می‌یابد. از این رو، بررسی وثاقت و ضعف حنش بن معتمر نیازمند بررسی منابع رجالی و تحلیل روایات حنش بن معتمر است. ضرورت بررسی شخصیت وی نیز در ضرورت بررسی های رجالی در باره تک تک راویان نهفته است.

فارغ از تعداد روایات حنش، به دلیل محتوای روایات وی - که در اثبات مقام ولایت و امامت است - بررسی شخصیت این فرد اهمیت می‌یابد. مجهول بودن فردی که بیشتر

۳. رجال الطوسی، ص ۶۲.

۴. تاریخ الثقات، ج ۱، ص ۳۲۶ - ۳۲۷؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۵، ص ۳۱۲.

۵. المجروحین، ج ۱، ص ۲۶۹؛ ضعفاء العقیلى، ج ۱، ص ۲۸۸؛ الضعفاء والمتروکین، ص ۲۷۱.

۶. المجروحین، ج ۱، ص ۲۶۹.

روایات وی در اثبات برتری حضرت علی علیه السلام بر دیگر خلفا است، در جایی که می‌توان به اطلاعاتی درخور درباره وی دست یافت، امری شایسته نیست. جدای از روشن نبودن وضعیت رجالی حنش، حتی نام وی نیز در برخی از منابع اصلی رجال شیعه ذکر نشده و یا اگر ذکر شده، ثبت دقیقی از آن صورت نگرفته و به گونه‌های مختلفی ضبط شده است. بررسی اتحاد یا عدم اتحاد عناوین مختلف و اتخاذ روشی مناسب در تمیز عنوان مشترک حنش از دیگر مسائل مورد توجه است. از این رو، بازشناسی هویت راوی را نیز می‌توان از دیگر محورهای اصلی این مقاله ذکر کرد.

۱. بررسی وضعیت راوی در منابع رجالی

نام حنش بن معتمر هم در منابع شیعه و هم منابع اهل سنت آمده و روایات وی نیز در منابع روایی فریقین ذکر شده است. از این رو، وی راوی مشترکی است که مورد توجه شیعه و اهل سنت قرار گرفته است.

۱-۱. منابع رجالی شیعه

در بین منابع رجالی متقدم شیعه، نام حنش فقط در *رجال الطوسی*، در شمار راویان روایات حضرت علی علیه السلام ذکر شده است^۷ و اطلاعات دیگری از این راوی در دست نیست. رجالیان متأخر نیز با استناد به نقل شیخ، فقط به ذکر نام وی پرداخته‌اند. تفرشی به نقل از *رجال الطوسی*، نام حنش را «حنش بن المعبره» و از اصحاب حضرت علی علیه السلام ذکر کرده است.^۸ از آن جا که راوی دیگری به نام حنش در منابع روایی شیعه و رجال شیخ در زمره اصحاب حضرت علی علیه السلام شناخته شده نیست، مراد وی از این فرد، همان معتمر است. نمازی شاهرودی نیز نام حنش را به اشکال مختلف حبش، حنش، حش و حبیش بن المغیره (المعتمر) آورده^۹ و در آخر، این فرد را همان حنش بن معتمر دانسته است.^{۱۰} خوبی نیز نام وی را با عناوین حبش (حبیش)، (حنش) بن المغیره (المعتمر) نقل کرده^{۱۱} و بیان

۷. *رجال الطوسی*، ص ۶۲.

۸. *نقد الرجال*، ج ۲، ص ۱۷۵.

۹. *مستدرکات علم رجال الحدیث*، ج ۲، ص ۲۹۲.

۱۰. همان، ج ۳، ص ۲۹۳.

۱۱. *معجم رجال الحدیث*، ج ۵، ص ۱۹۳.

می دارد که میرزای استرآبادی، نام وی را حنش بن معتمر ثبت کرده است.^{۱۲}

۲-۱. منابع رجالی اهل سنت

شخصیت حنش بن معتمر، در منابع رجالی اهل سنت با افراد دیگری - که با نام حنش بوده اند - پیوند خورده و در مواردی اشاره به اتحاد نام وی با دیگر حنشاها شده است. بررسی صحت این اتحاد و تمییز مشترکات موجود در سندها، نیازمند تفکیک اطلاعات هر یک از این حنشاها و شناسایی اتحاد نامها و تمییز مشترکات موجود در طرق است که در ادامه به بررسی آن می پردازیم.

در میان منابع اهل سنت، راویان متعددی با نام «حنش» وجود دارند که عبارت اند از: حنش بن عبد الله، حنش کنانی، حنش بن ربیع، حنش بن علی، حنش بن حارث و حنش بن معتمر.

۱-۲-۱. حنش بن عبد الله صنعانی

نام کامل وی حنش بن عبد الله بن عمرو بن حنظلة بن نهد بن قنان بن ثعلبة بن عبد الله بن ثامر أبو رشدین سبایی صنعانی است. در باره خاستگاه وی دیدگاه های مختلفی بیان شده است. عجللی، زادگاه وی را منطقه مصر می داند.^{۱۳} ابن عساکروی را فردی از روستای صنعای دمشق معرفی می کند.^{۱۴} هم چنین، در منابع مربوط به اندلس، وی فردی از صنعای شام معرفی شده که وارد مصر شده است.^{۱۵} ابن فرضی، بر اساس نقل قاسم بن أصبغ، حنش بن عبد الله صنعانی را فردی از منطقه صنعای شام می داند که به همراه علی بن رباح، ابو عبد الرحمن حبلی و موسی بن نصیر جزء تابعانی بودند که وارد اندلس شده اند.^{۱۶} در بین معاصرین شیعه نیز جعفر سبحانی، او را از تابعین یمنی می داند.^{۱۷} منابع تاریخی و حدیثی اهل سنت، به جز عجللی، بر شهر صنعای شام متفق اند و فقط عجللی وی را فردی مصری می داند. دلیل مصری دانستن وی شاید در این باشد که وی در دهه پایانی قرن اول در منطقه مصر بوده و به همراه گروهی از تابعان در فتح اندلس شرکت

۱۲. همان، ج ۷، ص ۳۲۱.

۱۳. تاریخ الثقات، ج ۱، ص ۳۲۶.

۱۴. تاریخ مدینة دمشق، ج ۱۵، ص ۳۰۷.

۱۵. نفع الطیب فی غصن الاندلس الرطیب، ج ۱، ص ۲۶۰.

۱۶. تاریخ علماء الاندلس، ج ۱، ص ۱۴۸.

۱۷. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۲، ص ۴۴.

کرده است. از این رو، می‌توان بر پایه منابع موجود زادگاه وی را صنعای شام دانست. حنش بن عبد الله در کوفه، مصاحب حضرت علی علیه السلام بوده و از ابن عباس و فضالة بن عبید و رویف بن ثابت و ابی هريرة و ابی سعید روایت کرده است. از حنش بن عبد الله، حارث بن حنش فرزند وی، قیس بن حجاج، ابو مرزوق حبیب بن شهید مولی تجیب، عبد الله بن هبيرة سبایی، عامر بن یحیی معافری، خالد بن ابی عمران، جلاح ابو کثیر، حارث بن یزید بن سلمان بن عامر، سیار بن عبد الرحمن، ربیع بن سلیم، عبد العزیز بن ابی الصعبه تیمی و عبد العزیز بن صالح مولی بنی أمیه روایت کرده‌اند.^{۱۸} ذهبی، برخلاف ابن عساکر، مصاحبت حنش بن عبد الله با حضرت علی علیه السلام را رد می‌کند و بر این نظر است که حنش بن ربیع یا حنش بن معتمر کنانی کوفی با حضرت علی علیه السلام مصاحبت داشته است.^{۱۹} منابع تاریخی نظر ابن عساکر را تأیید می‌کنند. بر اساس گزارش‌های تاریخی، حنش بن عبد الله صنعانی تابعی است که در کوفه با حضرت علی علیه السلام بوده است و پس از شهادت حضرت، به مصر وارد شده و در زمره مصریان قرار گرفته است.^{۲۰} از این رو، وی در زمره شاگردان حضرت علی علیه السلام بوده و به دلیل حضور در منطقه اندلس مورد توجه منابع اندلسی نیز قرار گرفته است. حنش بن عبد الله صنعانی در فتح مغرب، همراه رویف و در فتح اندلس، همراه موسی بن نصیر بوده است. وی در کنار ابن زبیر، در برابر عبد الملک بن مروان قیام کرد. البته بعدها عبد الملک بن مروان از خطای وی در همراهی با ابن زبیر در گذشت.^{۲۱} بنا بر گزارش‌های تاریخی، وی در منطقه اندلس منشأ اثر بوده و بنای جامع سرقسطه و البیره منسوب به وی است. حنش بن عبد الله اولین فردی است که عشور افریقیه را به اسلام فراخواند.^{۲۲}

حنش بن عبد الله، به تصریح اکثر رجالیان اهل سنت، فردی ثقه است^{۲۳} و علامه عسکری نیز از قول ابن حجر، او را فردی ثقه معرفی کرده است.^{۲۴} از وی ۲۵ روایت در موضوعات مختلف، همانند: فقه، تفسیر، اخلاق، مسائل تربیتی برجای مانده است.

۱۸. تاریخ مدینة دمشق، ج ۱۵، ص ۳۰۷.

۱۹. سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۹۳.

۲۰. نفع الطیب فی غصن الاندلس الرطیب، ج ۱، ص ۲۶۰.

۲۱. همان، ج ۱، ص ۲۶۰.

۲۲. تاریخ علماء الاندلس، ج ۱، ص ۱۲۷.

۲۳. تاریخ الثقات، ج ۱، ص ۳۲۶.

۲۴. معالم المدرستین، ج ۲، ص ۲۶۳.

۲-۲-۱. حنش بن علی

حسین بن قیس، أبو علی رحبی، ملقب به حنش - که به او حنش بن قیس^{۲۵} یا حنش بن علی صنعانی^{۲۶} نیز می‌گویند - از اهالی رحبه، شهری در نزدیکی شام است.^{۲۷} ابن عساکر او را ابو علی رحبی صنعانی همدانی از اهالی صنعای دمشق می‌داند که در واسط سکونت گزیده است.^{۲۸}

ابن وضاح و بخاری، حنش بن علی را همان حنش بن عبد الله صنعانی می‌دانند؛^{۲۹} در حالی که أبو عبد الله حمیدی و علی بن مدینی، چنین اشتراکی را رد می‌کنند و بر این اساس که راوی فضالة بن عبید، حنش بن عبد الله صنعانی است، نه حنش بن علی، در باره حنش بن علی یا حسین بن قیس، اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند.^{۳۰} از آن جا که هیچ دلیلی بر اشتراک این دو فرد وجود ندارد، سخن ابن وضاح و بخاری را نمی‌توان پذیرفت. حنش بن علی از نظر علمای حدیثی، فردی ضعیف^{۳۱} و منکر^{۳۲} است که نمی‌شود به سخنان و احادیث او احتجاج و استدلال نمود.^{۳۳} به همین دلیل رجالیون، وی را در زمره مجروحین^{۳۴} و ضعفا^{۳۵} ذکر کرده‌اند. تنها فردی که قایل به وثاقت حسین بن قیس است، حصین بن نمیر همدانی، یکی از راویان روایات او است.^{۳۶} احمد بن حنبل نیز، ضمن متروک الحدیث شمردن وی، تنها یکی از احادیث او را حسن دانسته است.^{۳۷} از نظر علمای شیعی نیز، حسین بن قیس، گرچه احادیث بسیاری دارد، اما همگی ضعیف بوده و

۲۵. الضعفاء الصغیر، ج ۲، ص ۳۹۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۱۲، ص ۳۰۴.

۲۶. معجم البلدان، ج ۳، ص ۴۳۰.

۲۷. الأنساب، ج ۳، ص ۴۸.

۲۸. تاریخ مدینة دمشق، ج ۱۵، ص ۳۰۹ - ۳۱۵.

۲۹. المدونة الكبرى، ج ۲، ص ۱۱؛ تاریخ مدینة دمشق، ج ۱۵، ص ۳۱۴.

۳۰. معجم البلدان، ج ۳، ص ۴۳۰؛ الروض الألف فی تفسیر السیرة النبویة، ج ۴، ص ۶۱.

۳۱. مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۷۰؛ سنن الترمذی، ج ۴، ص ۳۵.

۳۲. الدراریة فی تخریج أحادیث الهدایة، ج ۲، ص ۱۶۵.

۳۳. الجرح والتعدیل، ج ۳، ص ۶۴؛ التمهید، ج ۵، ص ۷۷.

۳۴. المجروحین، ج ۱، ص ۲۴۲.

۳۵. الضعفاء الصغیر، ص ۳۷؛ الضعفاء والمتروکین، ص ۱۶۹.

۳۶. جواهر الحسان فی تفسیر القرآن (تفسیر الشعالی)، ج ۱، ص ۳۵۰؛ تنزیه الشریعة المرفوعة عن الأخبار الشنیعة

الموضوعة، ج ۲، ص ۱۰۴.

۳۷. العلیل (ابن حنبل)، ج ۲، ص ۴۸۶؛ تاریخ مدینة دمشق، ج ۱۵، ص ۳۱۴؛ تهذیب الکمال، ج ۶، ص ۴۶۸.

نمی‌توان بدان‌ها اعتماد نمود.^{۳۸}

حنش از عطاء بن اَبی رباح و عکرمه مولى ابن عباس و علباء بن اَحمر نقل حدیث کرده و اسماعیل بن عیاش و اَبو محصن حصین بن نمیر همدانی و خالد بن عبد الله واسطی، سلیمان تیمی، عبد الحکیم بن منصور، علی بن عاصم و مسلم بن سعید از او حدیث نقل کرده‌اند.^{۳۹} حسن بن علی سقاف، با استناد به کتاب *تهذیب الکمال* مزى معتقد است که حسین بن قیس، هرگز از ابن عباس نقل حدیث نکرده، بلکه حنش مذکور در روایات - که از ابن عباس به نقل حدیث پرداخته - حنش بن عبد الله صنعانی است که از رجال مسلم بوده و فردی ثقه معرفی شده است.^{۴۰}

۳-۲-۱. حنش بن حارث بن لقیط نخعی کوفی

اطلاعات زیادی در باره وی وجود ندارد. پدر وی، یعنی حارث بن لقیط نخعی کوفی، از مخضرمین بوده^{۴۱} و از شاهدان حادثه قادسیه به شمار می‌رود. هم‌چنین، پدر حنش از علی بن اَبی طالب و عمر بن خطاب روایاتی را نقل کرده است.^{۴۲} به همین دلیل، مسلم او را در طبقه اول راویان کوفی آورده و ابن حبان، او را از موثقان دانسته است.^{۴۳}

در باره خود حنش نیز، طبق آنچه در کتب حدیثی ذکر شده، برخی علما همانند ابن حبان، ابو نعیم و عجللی او را ثقه دانسته‌اند.^{۴۴} ابن سعد نیز، ضمن توثیق وی، او را «قلیل الحدیث» معرفی کرده است.^{۴۵} ابن بزاز و ابو حاتم هم وی را با عبارات «صالح الحدیث، لا به بأس» توصیف قرار کرده‌اند^{۴۶} که چنین تعبیری از سوی ابن ابی حاتم، حاکی از مرتبه‌ای از تعدیل است که در آن، حدیث وی نوشته می‌شود و مورد توجه قرار می‌گیرد.^{۴۷} در بین

۳۸. اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۸۱؛ الإنصاف فی مسائل دام فیها الخلاف، ج ۱، ص ۳۱۷؛ دلائل الصدق لنهج الحق، ج ۱، ص ۳۱.

۳۹. میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵۴۶؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۵، ص ۳۰۹.

۴۰. تناقضات الألبانی الواضحات، ج ۳، ص ۱۷۵.

۴۱. تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۲۷۷.

۴۲. تهذیب الکمال، ج ۵، ص ۲۷۵.

۴۳. تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۳۵.

۴۴. تاریخ الثقات، ج ۱، ص ۳۲۶؛ المسانید، ج ۲، ص ۴۳۲.

۴۵. الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۵۴.

۴۶. الجرح والتعدیل، ج ۴، ص ۴۴۱؛ تهذیب الکمال، ج ۷، ص ۴۳۳ - ۴۲۸.

۴۷. المدخل الی درسه علم الجرح والتعدیل، ص ۱۸۸.

رجالیان اهل سنت تنها ماردینی است که قایل به ضعف او است و او را فردی متوهم در نقل حدیث می‌داند.^{۴۸}

وی از پدرش حارث بن لقیط، برادرش ریاح بن حارث نخعی، أسود بن یزید، حرب بن صیاح، حسن بن حکم نخعی، حکیم بن جبیر، سلمة بن کهیل، سوید بن غفلة، صباح بن عبید الله، عبد الرحمان بن أسود بن یزید، علی بن مدرک، عمرو بن میمون، قابوس بن اُبی ظبیان، اُبی هبیره یحیی بن عباد انصاری به نقل حدیث پرداخته است و افرادی همانند أشعث بن شعبة مصیصی، أبو أسامة حماد بن أسامة، خالد بن یحیی، شریک بن عبد الله، عبد الصمد بن نعمان، عبد العزیز بن أبان، أبو نعیم فضل بن دکین، قره بن عیسی واسطی، أبو عبد الرحمان محمد بن حمید اصباغی، محمد بن سعید بن زائده، ابو احمد محمد بن عبد الله بن زبیر زبیری، مخلد بن یزید حرانی، وکیع بن جراح به نقل حدیث از او پرداخته‌اند.^{۴۹}

۴-۲-۱. حنش بن معتمر، حنش بن ربیع و حنش کنانی

در باره زندگانی حنش بن معتمر اطلاعات زیادی در منابع اهل سنت وجود ندارد. بر اساس اطلاعات اندک در دسترس، وی فردی کوفی است که در طبقه تابعان قرار می‌گیرد.^{۵۰} ابن معین قایل به اتحاد حنش بن معتمر و حنش کنانی است و این دو را یک راوی می‌داند.^{۵۱} بر اساس نقل بخاری و ابن عساکر نیز، حنش بن معتمر همان حنش بن ربیع است.^{۵۲} هر چند بخاری آن را به عنوان نظری مطرح شده از سوی عده‌ای می‌داند، اما این نظر توسط افرادی همچون ابن عساکر^{۵۳} و عجلی^{۵۴} نیز مورد تأیید قرار گرفته است و وی را فرزند ربیع دانسته‌اند. البته ابن حجر، معتمر را پدر حنش می‌داند،^{۵۵} اما بر اساس منابع پیش از ابن حجر، می‌توان به این نتیجه رسید که ربیع پدر وی و معتمر جد حنش است.

۴۸. الجوهر النقی، ج ۹، ص ۲۸۸ - ۲۸۶.

۴۹. تهذیب الکمال، ج ۷، ص ۴۳۳ - ۴۲۸.

۵۰. تاریخ الثقات، ج ۱، ص ۳۲۶ - ۳۲۷.

۵۱. تاریخ ابن معین، ج ۱، ص ۲۳۱.

۵۲. التاریخ الکبیر، ج ۳، ص ۹۹؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۴، ص ۱۲۵.

۵۳. تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۴، ص ۱۲۵.

۵۴. تاریخ الثقات، ج ۱، ص ۳۲۶.

۵۵. الاصابة فی تمییز الإصابه، ج ۶، ص ۱۳۹ - ۱۳۸.

از این رو، وی حنش بن ربیعہ بن معتمر کنانی است^{۵۶} که گاه با کنیه ابوالمعتمر^{۵۷} و ابو المعتمر کوفی^{۵۸} یاد شده است. افزون بر این، بخاری^{۵۹} نسبت صنعانی را نیز در پایان نام وی آورده است که چنین نسبتی در دیگر کتب رجالی اهل سنت ذکر نشده است. با توجه به این که وی فردی کوفی و از قبیله کنانی است، دلیلی بر صنعانی بودن وی وجود ندارد و به نظر می‌رسد بخاری چنین نسبتی را به نام وی افزوده باشد.

حنش بن معتمر از جمله راویان روایات حضرت علی عليه السلام است. وی هم چنین، از علیم کندی، وابصة بن معبد و ابی ذر غفاری نیز به نقل حدیث پرداخته است.^{۶۰} از حنش بن معتمر نیز سماک، إسماعیل بن ابی خالد، بکیر بن أحنس و حکم بن عتیبة روایت کرده‌اند.^{۶۱} رازی، سعدان (سعید) بن أشوع همدانی را - که فردی کوفی است - از جمله کسانی معرفی می‌کند که از حنش کنانی روایت کرده است.^{۶۲}

۳-۱. بررسی وثاقت یا ضعف حنش بن معتمر

در منابع رجالی شیعه اشاره‌ای به وثاقت یا ضعف حنش بن معتمر نشده و منابع اهل سنت نیز نسبت به توثیق وی دچار اختلاف شده‌اند. برخی وی را فردی ثقه دانسته‌اند.^{۶۳} بخاری نقل می‌کند که کوفیان نسبت به حدیث وی انتقاداتی دارند.^{۶۴} نسایی وی را قوی نمی‌داند.^{۶۵} ابن حبان وی را فردی کثیر الوهم در روایات می‌داند که از حضرت علی عليه السلام روایات متفردی را نقل کرده است که شبیه احادیث افراد ثقه نیست و بر همین اساس، جزء افرادی قرار گرفته است که به حدیثش احتجاج نمی‌شود.^{۶۶} هم چنین، ابن حجر نیز ضمن صدوق دانستن وی، حنش بن معتمر را فردی می‌داند که اوهامی را نقل کرده

۵۶. تهذیب الکمال، ج ۷، ص ۴۳۳؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۳۵۸.

۵۷. التاريخ الكبير، ج ۳، ص ۹۹؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۴، ص ۱۲۵؛ تاریخ الثقات، ج ۱، ص ۳۲۶.

۵۸. تهذیب الکمال، ج ۷، ص ۴۳۲؛ أعيان الشيعة، ج ۶، ص ۲۵۸.

۵۹. التاريخ الكبير، ج ۳، ص ۹۹.

۶۰. تهذیب الکمال، ج ۷، ص ۴۳۳؛ سیر أعلام النبلاء، ج ۱، ص ۳۵۸.

۶۱. التاريخ الكبير، ج ۳، ص ۹۹؛ تهذیب الکمال، ج ۷، ص ۴۳۳.

۶۲. الجرح والتعديل، ج ۴، ص ۲۸۹.

۶۳. تاریخ الثقات، ج ۱، ص ۳۲۶ - ۳۲۷؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۵، ص ۳۱۲.

۶۴. التاريخ الكبير، ج ۳، ص ۹۹.

۶۵. الضعفاء والمتروكين، ص ۲۷۱.

۶۶. المعجروحين، ج ۱، ص ۲۶۹.

است.^{۶۷} منظور او از اوهام، روایاتی است که مد نظر ابن حبان نیز بوده است. بر اساس اقوال ابن حبان و ابن حجر روایات وی و مضامین موجود در آنها می‌تواند دلیل تضعیف وی باشد. از این رو، بررسی و تحلیل روایات وی جهت روشن شدن وضعیت وی ضروری به نظر می‌رسد.

۲. تحلیل روایات حنش بن معتمر

تعداد روایاتی که در سلسله سند آنها، نام «حنش» وجود دارد، حدود هفتاد روایت با الفاظ مختلف و مفاهیم متعدد است که از طریق حنش بن معتمر، حنش بن علی، حنش بن عبد الله یا حنش بن حارث روایت شده است. این روایات در برخی مسانید، همانند مسند احمد بن حنبل، مسند ابی یعلی، مسند ابی داود طیالسی، المصنف عبد الرزاق صنعانی، المصنف ابن ابی شیبه کوفی و سایر مسانید یافت می‌شوند. صاحبان کتب تفسیری نیز در ذیل برخی آیات، از روایات منقول از «حنش» بهره برده‌اند که در این میان می‌توان به تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر، جواهر الاحسان ثعالبی، شواهد التنزیل حسکانی، تفسیر ابی حمزه ثمالی و تفسیر فرات الکوفی اشاره نمود. البته ۲۵ روایت از روایات حنش - که حجم قابل توجهی از روایات وی را در برمی‌گیرد - فقط در مسند احمد بن حنبل ذکر شده و وی بیشتر از سایر پیشوایان حدیثی اهل سنت، به طرق متعدد، به نقل حدیث از هر یک از «حنش»‌ها پرداخته است. اکثر این روایات نیز یا در دیگر منابع حدیثی وجود ندارد یا کمتر می‌توان مشابه آنها را در سایر منابع اهل سنت مشاهده نمود.

تقریباً تمامی روایات باز مانده از هر یک از «حنش»‌ها در کتب حدیثی، در زمینه مسائل فقهی، اخلاقی و اعتقادی است که با نگاه اجمالی به این روایات، می‌توان به کثرت نقل «حنش بن عبد الله» و «حنش بن معتمر» از پیامبر ﷺ و حضرت علی عَلِيٍّ پی برد و تنها در برخی موارد از سایر صحابه، همانند: عمر بن خطاب،^{۶۸} ابن عمر،^{۶۹} ابن عباس،^{۷۰} أسود،^{۷۱} علیم کندی،^{۷۲} و ابن مسعود^{۷۳} به نقل حدیث پرداخته‌اند. «حنش بن حارث» نیز از طریق

۶۷. تهذیب التهذیب، ج ۱۲، ص ۳۰۴.

۶۸. المصنف (صنعانی)، ج ۲، ص ۷۷-۷۶.

۶۹. همان، ج ۱، ص ۴۵۷.

۷۰. همان، ج ۶، ص ۶۰.

۷۱. المصنف (ابن ابی شیبه کوفی)، ج ۸، ص ۲۱۴.

۷۲. همان، ج ۸، ص ۶۱۰.

افراد مختلف، از حضرت علی علیه السلام حدیث نقل کرده است.

از میان روایاتی که نام «حنش» در سند آنها به صورت حنش بن معتمر یا حنش بن علی یا حنش بن عبد الله و حنش بن حارث دیده می‌شود، تنها دو روایت وجود دارد که در آن، مطابق مذهب اهل سنت، سخن رفته است. در یکی از این دو حدیث، عدم جواز جمع میان دو نماز از قول پیامبر بیان گردیده است:

من جمع بین الصلاتین من غیر عذر فقد أتى بابا من أبواب الكبائر.^{۷۴}

و در دیگری، از قول امام علی علیه السلام و طبق سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله، دستور هموار کردن قبور صادر شده است.^{۷۵}

سند روایت اول (عدم جواز جمع میان دو نماز) - که به طرق مختلف، در چهارده منبع متعدد نیز نقل شده - در آخر به «المعتمر بن سلیمان، عن أبيه، عن حنش، عن عكرمة، عن ابن عباس، عن النبي صلی الله علیه و آله» می‌رسد که از نظر تمامی رجالیان، «حنش» مذکور در این سند، ابوعلی رحبی، یعنی همان حنش بن قیس است که فردی ضعیف شمرده شده است.^{۷۶} به همین دلیل، نمی‌توان به حدیث فوق اعتماد نمود.

در میان شیعیان نیز، این فرد و روایت وی اعتباری ندارد. جعفر سبحانی «حنش» مذکور در روایت فوق را، ضعیف دانسته و برای جواز جمع میان دو نماز، به روایت ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله استناد کرده است.^{۷۷} تنها فرقه حنفیه، با استناد به روایت فوق، منع جمع میان دو نماز، در هر حالت و شرایطی را صادر کرده‌اند.^{۷۸}

در حدیث دوم نیز، از طریق «حنش»، از قول امام علی علیه السلام، دستور هموار کردن قبور صادر شده که از احادیث متواتر معنوی در کتب شیعه و اهل سنت به شمار می‌آید و در آن، امام علی علیه السلام به نقل از پیامبر، یکی از وظایف خویش را، هموار کردن و تسویه نمودن

۷۳. المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۷.

۷۴. سنن الترمذی، ج ۱، ص ۱۲۲ - ۱۲۱؛ دراسات فقهية فی مسائل خلافة، ص ۲۴۰؛ الإنصاف فی مسائل دام فیها الخلاف، ج ۱، ص ۳۱۷.

۷۵. العلل، ج ۱، ص ۱۴۵؛ شرح إحقاق الحق، ج ۳۱، ص ۱۸۷.

۷۶. التمهيد، ج ۵، ص ۷۷؛ تنقيح التحقيق فی أحاديث التعليق، ج ۱، ص ۲۷۴؛ تنزيه الشريعة المرفوعة عن الأخبار الشنيعة الموضوعة، ج ۲، ص ۱۰۴؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۲۵۵.

۷۷. الإنصاف فی مسائل دام فیها الخلاف، ج ۱، ص ۳۱۸ - ۳۱۷.

۷۸. تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی، ج ۱، ص ۴۷۷.

قبور مردگان ذکر کرده‌اند.^{۷۹} تعداد طرق موجود از روایت فوق - که نام «حنش» در آنها ذکر شده - ده طریق بوده که نام «حنش» در میان افراد سلسله سند آنها، به ترتیب زیر است:

تعداد	نام
۴	حنش بن المعتمر
۳	حنش الکنانی
۳	حنش بن المعتمر الکنانی

بنا بر آنچه ذکر شد، حنش بن معتمر، همان حنش کنانی بوده که در برخی منابع نیز، با نام حنش بن معتمر کنانی از او یاد شده است. از این رو، بازگشت تمامی «حنش» های مذکور در این روایات، به «حنش بن معتمر» است. از دیگر سو، تمامی طرق فوق، به سعید بن اشوع و اشعث بن سوار منتهی می‌گردند.^{۸۰} «سعید بن اشوع» با نام «سعید بن عمرو بن أشوع همدانی کوفی» (م ۱۲۰ق) تنها در کتب رجالی اهل سنت آمده و به عنوان فردی معتمد و ثقه معرفی شده است.^{۸۱} «اشعث بن سوار» نیز، از اصحاب امام حسن علیه السلام بوده که در میان اکثر قریب به اتفاق رجالیان، فردی ضعیف و مجهول معرفی شده است.^{۸۳} بنا بر این، حدیث فوق را، با وجود اختلاف نظرهای موجود در باره «حنش بن معتمر» نمی‌توان صحیح دانست.

البته مضمون حدیث فوق با طرق متعدد دیگری بدون ذکر نام «حنش» نیز، موجود است که از این میان، تنها طریق «سفیان عن حبیب بن اَبی ثابت عن اَبی وائل عن اَبی الهیاج الأسدی»،^{۸۴} «حسن»^{۸۵} شمرده شده و سایر طرق،^{۸۶} ضعیف معرفی گردیده‌اند.^{۸۷}

۷۹. «عن علی رضی الله عنه، أنه بعث عامل شرطته فقال له: أتدری علی ما أبعثك؟ علی ما بعثنی علیه رسول الله ﷺ أن أنحت كل، یعنی صورة وأن أسوی كل قبر» (العلل، ج ۱، ص ۱۴۹؛ شرح إحقاق الحق، ج ۳۱، ص ۱۸۷)؛ «عن علی بن اَبی طالب، أنه دعا صاحب شرطته، فقال: انطلق فلا تدع قبراً إلا سويته ولا زخرفاً إلا وضعته، ثم قال: هل تدری فیما بعثتک؟ بعثتک فیما بعثنی فیہ رسول الله ﷺ (أحدیث أهل البيت علیهم السلام عن طرق أهل السنة، ص ۵۲۳)؛ «عن علی رضی الله عنه قال رسول الله ﷺ لرجل من الأنصار: انظر القبور الشاخصة، فلا تدع قبراً إلا سويته، وادخل بيوت المدينة فلا تدع زخرفاً إلا نزعته، فكان الأنصاري هاب، فقال لي: يا علي! وابعث معي ناساً ففعلت ذل» (أخبار القضاة، ج ۳، ص ۱۱).

۸۰. حدثنا عبد الله حدثني أبي، ثنا يزيد، أنبأنا أشعث بن سوار، عن ابن اشوع، عن حنش بن المعتمر...

۸۱. میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۲۸؛ المراجعات، ص ۱۲۸.

۸۲. معجم رجال الحديث، ج ۳، ص ۲۱۶.

۸۳. المحلى، ج ۹، ص ۳۳۶؛ مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۲۳۴؛ تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی، ج ۳، ص ۵۷۸؛ العلیل، ج ۳، ص ۸۴؛ تاریخ ابن معین، ج ۲، ص ۶۳.

۸۴. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۱؛ سنن اَبی داود، ص ۳۲۱۸؛ الضعفاء والمتروکین، ج ۱، ص ۲۸۵؛ سنن الترمذی، ج ۱،



به طور کلی روایات منقول از طریق «حنش بن معتمر»، چهارده روایت در زمینه مسائل تربیتی، فقهی و احکام است که تقریباً تمامی آنها در جهت اثبات وثاقت و جانشینی امام علی علیه السلام و جایگاه والای او در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله، نسبت به سایر خلفا است که این نیز می‌تواند دلیلی بر علاقه فراوان وی به اهل بیت علیهم السلام به ویژه امام علی علیه السلام به شمار آید؛ به عنوان نمونه می‌توان از روایت زیر نام برد که علاوه بر مسند احمد بن حنبل، تنها در عمدة عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الأبرار بن بطریق، آن هم به نقل از مسند احمد بن حنبل، نقل شده که در آن، پیامبر صلی الله علیه و آله ابتدا «ابوبکر» را به منظور تلاوت آیات براءت به مکه گسیل نمود، اما با نزول جبرئیل و بیان این که چنین کاری فقط توسط خود پیامبر صلی الله علیه و آله یا فردی از خاندان وی قابل انجام است، این مأموریت به امام علی علیه السلام محول شد.^{۸۸}

در سند روایت فوق - که به صورت «حدثنا محمد بن سلیمان لوین، قال: حدثنا محمد بن جابر عن سماك، عن حنش، عن علی علیه السلام» ذکر شده - گرچه نام «حنش» به طور مطلق آمده است و لقب یا کنیه وی مشخص نیست، اما با توجه به راوی وی، یعنی «سماک» می‌توان او را همان «حنش بن معتمر» دانست که از جمله راویان روایات حضرت علی علیه السلام است.^{۸۹}

یکی دیگر از روایات منسوب به «حنش بن معتمر» - که در آنها، نام وی به گونه‌های مختلف ذکر شده - حدیث سفینه نوح علیه السلام^{۹۰} است که با الفاظ و واژگان مختلفی در منابع

ص ۱۹۵؛ السنن الکبری، ج ۴، ص ۳؛ العلیل، ج ۱، ص ۹۶.

۸۵. بدلیل «حبیب بن ابی ثابت»، فانه کان یدلس «إرواء الغلیل، ج ۵، ص ۳۷۰ - ۳۶۸».

۸۶. «المفضل بن صدقة أبی حماد الحنفی، عن أبی إسحاق» (المعجم الصغیر، ص ۲۹)؛ «أشعث بن سوار، عن ابن أشوع، عن حنش بن المعتمر» (المصنف (ابن أبی شیبة)، ج ۴، ص ۱۳۹؛ العلیل، ج ۱، ص ۱۴۵ - ۱۵۰)؛ «یونس بن خباب، عن جریر بن حبان، عن أبیه، عن امام علی علیه السلام» (العلیل، ج ۱، ص ۱۱۱)؛ «أبی المورع، عن علی علیه السلام» (مسند ابی داود الطیالسی، ص ۹۶).

۸۷. إرواء الغلیل، ج ۵، ص ۳۷۰ - ۳۶۸.

۸۸. «لما نزلت عشر آیات من براءة علی النبی صلی الله علیه و آله، دعا النبی صلی الله علیه و آله أبابکر، فبعثه بها، ليقراها علی أهل مكة، ثم دعانی النبی صلی الله علیه و آله فقال لی: أدرك أبابکر، فحیث ما لحقته فخذ الكتاب منه، فاذهب به إلى أهل مكة وأقرأها علیهم، فلحقته بالجحفة فأخذت الكتاب منه، ورجع أبو بکر إلى النبی صلی الله علیه و آله، فقال: یا رسول الله! نزل فی شیء؟ قال: لا، و لكن جبرئیل جائنی، فقال: لن یؤدی عنك إلا أنت أو رجل منك» (العلیل، ج ۱، ص ۱۵۱؛ عمدة عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الأبرار، ص ۱۶۰).

۸۹. التاریخ الکبیر، ج ۳، ص ۹۹.

۹۰. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «مثل أهل بیتی مثل سفینه نوح من ركبها نجا ومن تخلف عنها غرق» (المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۱ - ۱۵۰؛ معالم المدرستین، ج ۱، ص ۲۵۸) یا «أبها الناس أنى تركت فیكم الثقلمین كتاب

متعدد، ذکر شده است.^{۹۱}

در ۳۴ منبع از منابعی که حدیث سفینه در آنها ذکر شده است، نام حنش، به ترتیب زیر به چشم می خورد:

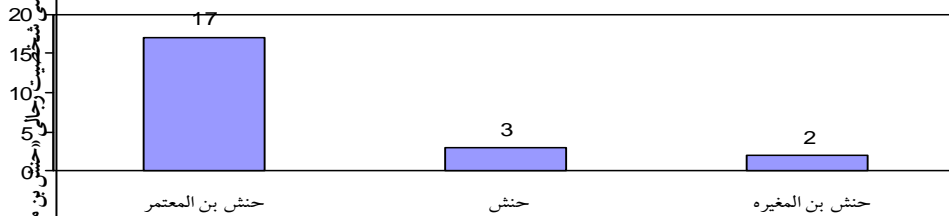
تبع تابعان	تابعی	صحابی	تعداد
ابی اسحاق	حنش	ابوذر	۲
-	حنش	ابوذر	۱
ابی اسحاق	حنش بن المعتمر	ابوذر	۴
رجل	حنش بن المعتمر	ابوذر	۱
-	حنش بن المعتمر	ابوذر	۲
ابی اسحاق	حنش الکنانی	ابوذر	۴
-	حنش الکنانی	ابوذر	۱
ابی اسحاق	حنش بن المعتمر الکنانی	ابوذر	۴
ابی اسحاق	حنش بن المعتمر الصنعانی	ابوذر	۱
-	حنش بن المغیره	ابوذر	۲

همان گونه که در قبل نیز بازگو شد، «حنش بن المعتمر»، همان «حنش الکنانی» یا «حنش بن المعتمر الکنانی» است. بنا بر این، جدول فوق به صورت زیر خلاصه می شود:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

الله و عترتی أهل بیته ولن یتفرقا حتی یردا علی الحوض ومثلها مثل سفینة نوح من ركب فیها نجا» (العلل، ج ۶، ص ۲۳۷ - ۲۳۶؛ جامع أحادیث الشیعة، ج ۱، ص ۳۲) یا «أهل بیته فیکم کسفینة نوح ﷺ فی قومه، من دخلها نجا و من تخلف عنها هلك» (المعجم الأوسط، ج ۵، ص ۳۰۶).

۹۱. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۳ و ۴۷۲۰؛ ینابیع المودة لذوی القربی، ج ۱، ص ۹۴ و ۵؛ شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۲، ص ۵۰۱ و ۸۸۷؛ أمالی الطوسی، ج ۶، ص ۸۸، ۴۵۹ و ۱۰۲۶؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲۳۹، ص ۵۹؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۳۶۱ و ۵۸؛ کتاب سلیم، ج ۲، ص ۹۳۷؛ بشارة المصطفی، ص ۸۸؛ رجال کشی، ج ۱، ص ۱۱۵ و ۵۲؛ مناقب آل أبی طالب، ج ۱، ص ۲۹۵؛ شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۱، ص ۲۸.



«حنش بن المغیره»، به دلیل خطای نسخ، همان «حنش بن معتمر» معرفی شده است.^{۹۲} هم چنین، از آن جا که تنها «حنش بن المعتمر» از ابوذریه نقل حدیث می‌پردازد، بنا بر این، منظور از «حنش» - که به طور مطلق در جدول فوق، ذکر شده - همان «حنش بن المعتمر» است. بنا بر این، راوی حدیث فوق از ابوذریه، حنش بن معتمر کنانی است.

در بیشتر طرق روایت فوق (بیست مورد)، راوی از حنش، ابی اسحاق یا ابواسحاق همدانی است که از اصحاب امام علی علیه السلام بوده^{۹۳} و در رجال الطوسی نیز، در زمره راویان امام علی علیه السلام شمرده شده است.^{۹۴} البته روایت فوق، از طریق سایر صحابه، همانند عبد الله بن عباس و سلمة بن اکوع و انس بن مالک و ابی سعید خدری و عبد الله بن زبیر و ابی الطفیل عامر بن وائلة نیز نقل شده^{۹۵} که سبب تقویت طرق حدیث می‌شود.

بر اساس تحلیل سندی و متنی روایات حنش بن معتمر به این نتیجه می‌رسیم که وی چهارده روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام در موضوعات مختلف اعتقادی، اخلاقی و فقهی نقل کرده است که اکثر این روایات به اثبات جایگاه والای حضرت علی علیه السلام در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، نسبت به سایر خلفا پرداخته‌اند.^{۹۶} شاخص‌ترین این روایات، حدیث سفینه نوح است که به طرق مختلفی از حنش بن معتمر نقل شده است. بر این اساس، چرایی رد مضمون احادیث وی از سوی اهل سنت مشخص می‌شود. اشاره ابن حبان به روایات

۹۲. مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۳، ص ۲۹۳.

۹۳. معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۱۱۲.

۹۴. رجال الطوسی، ج ۱، ص ۸۷.

۹۵. الشیعة الفرقة الناجية، ج ۲، ص ۲۹۶.

۹۶. به عنوان نمونه، رک: العلیل، ج ۶، ص ۲۳۷ - ۲۳۶؛ التمهید، ج ۲، ص ۳۰۶ - ۳۰۵؛ کنز العمال، ج ۵، ص ۸۲۷.

متفرد وی از حضرت علی علیه السلام و عدم شباهت این روایات با روایات ثقه و انتساب نقل اوهام به حنش بن معتمر از سوی ابن حجر مرتبط با مضامین روایات وی است. حنش بن معتمر به دلیل نقل روایاتی در جایگاه و منزلت حضرت علی علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و برتری حضرت بر دیگر خلفا، مورد نقد اهل سنت قرار گرفته است.

دلیل تضعیف وی نیز، مطابق تصریح ابن حبان و ابن حجر نقل روایات مذکور است. از این رو، در بررسی وثاقت وی با دو دسته از منابع برخورد می‌کنیم. دسته‌ای که وی را فردی ثقه معرفی کرده‌اند و دسته‌ای دیگر که بر مبنای روایات وی، حنش بن معتمر را تضعیف کرده‌اند. مضمون روایات وی حاکی از ارادت خاص وی به اهل بیت علیهم السلام و حضرت علی علیه السلام است. از این رو، راوی، فردی علاقه‌مند به اهل بیت علیهم السلام و حضرت علی علیه السلام است که ترسیم شخصیت وی بر اساس روایاتش نیز حاکی از این مطلب است. همه موارد فوق، قرینه‌ای بر وثاقت راوی و جایگاه وی در نزد حضرت علی علیه السلام است.

نتیجه

۱. در بین منابع رجالی اهل سنت، چهار نفر با نام حنش در طبقه تابعان وجود دارند که عبارت‌اند از: حنش بن عبد الله صنعانی و حنش بن حارث، حنش بن معتمر و حنش بن علی.

۲. نام حنش بن معتمر در منابع رجالی شیعه به شکل‌های مختلف: حنش بن معبره، حبش - حنش - حش - حبیش بن مغیره ذکر شده است که مراد از آنها، راوی واحدی است که همان حنش بن معتمر است.

۳. در برخی از منابع اهل سنت، حنش بن معتمر، حنش بن ربیع و حنش بن کنانی سه فرد مختلف ذکر شده‌اند که بر اساس تصریح برخی از رجالیان اهل سنت و تحلیل روایات آنها، می‌توان قایل به اتحاد آنها و وجود راوی واحدی به نام حنش بن معتمر شد.

۴. در منابع رجالی اهل سنت، حنش بن عبد الله صنعانی و حنش بن معتمر جزء کسانی هستند که از حضرت علی علیه السلام روایت نقل کرده و در شمار اصحاب حضرت علی علیه السلام محسوب شده‌اند. حنش بن حارث نیز به واسطه پدرش از حضرت علی علیه السلام روایت نقل می‌کند.

۵. حنش بن عبد الله صنعانی و حنش بن حارث مورد توثیق منابع رجالی اهل سنت قرار گرفته‌اند، اما در باره حنش بن معتمر اظهار نظرهای متناقضی شده است. برخی وی را

فردی ثقه و گروهی، به دلیل کثرت نقل متفرداتی از حضرت علی علیه السلام، وی را تضعیف کرده‌اند. با توجه به مضمون بیشتر روایات حنش بن معتمر - که در حوزه فضایل و جایگاه والای حضرت علی علیه السلام و برتری حضرت بر خلفا است - تضعیف وی از سوی برخی از رجالیان اهل سنت امری طبیعی است. با توجه به این که بیشتر روایات وی در باره منزلت و جایگاه حضرت علی علیه السلام است و نوع روایات حاکی از گرایش‌های امامی راوی است، می‌توان جایگاه راوی را از خلال روایات وی دریافت و آن را قرینه‌ای بر وثاقت راوی دانست.

کتابنامه

- أحادیث أهل البيت عليهم السلام عن طرق أهل السنة، مهدی حسینی روحانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹ ش.
- الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، ترجمه: بهراد جعفری، تهران: گهر اندیشه، ۱۳۸۱ ش.
- أخبار القضاة، محمد بن خلف وکیع، بیروت: عالم الكتاب، بی تا.
- إرواء الغلیل، محمد ناصر البانی، بیروت: المكتبة الإسلامية، ۱۴۰۵ ق.
- الإصابة فی تمييز الإصابة، احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، تحقیق: شیخ عادل احمد عبد الموجود، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
- أضواء البیان، محمد امین بن محمد مختار شنقیطی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ ق.
- أعیان الشیعة، سید محسن امین، بیروت: دار التعارف، ۱۴۰۳ ق.
- الأملی، محمد بن حسن طوسی، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
- الأنساب، عبد الکریم بن محمد سمعانی، تعلیق: عبد الله عمر بارودی، بیروت: دار الجنان، ۱۴۰۸ ق.
- الإنصاف فی مسائل دام فیها الخلاف، جعفر سبحانی، قم: مؤسسة الإمام الصادق علیه السلام، ۱۴۲۳ ق.
- بشارة المصطفی، محمد بن ابی القاسم طبری، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: نشر اسلامی، ۱۴۲۰ ق.
- تاریخ علماء الاندلس، عبد الله ابن فرضی، بی جا: دار المصریة، ۱۹۶۶ م.
- تاریخ ابن معین، یحیی بن معین دوری، بیروت: دار القلم للطباعة والنشر والتوزیع، بی تا.
- تاریخ الثقات، أحمد بن عبد الله بن صالح عجلی، مدینه: مكتبة الدار، ۱۴۰۵ ق.

- التاريخ الكبير، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل بخارى، تركيه: ديار بكر، بي تا.
- تاريخ مدينة دمشق، على بن حسن بن هبة الله بن عساكر، تحقيق: على شيرى، بيروت: دار الفكر، ١٤١٥ق.
- تحفة الأحوذى بشرح جامع الترمذى، محمد عبد الرحمان بن عبد الرحيم مباركفورى، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٠ق.
- تلخيص الحبير فى تخريج الأحاديث الرافعى الكبير، احمد بن على بن حجر عسقلانى، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢٧ق.
- التمهيد، ابى عمر يوسف بن عبد البرنمرى قرطبى بن عبد البر، تحقيق: مصطفى بن أحمد علوى ومحمد عبد الكبير بكرى، مغرب: وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامية، ١٣٨٧ق.
- تناقضات الألبانى الواضحات، حسن بن على سقاف، عمان: دار الإمام النووى، ١٤١٣ق.
- تنزيه الشريعة المرفوعة عن الأخبار الشنيعة الموضوعة، على بن محمد كنانى، تحقيق: سيد عبد الله بن صديق غمارى وعبد الوهاب عبد اللطيف، مصر: مطبعة عاطف، بي تا.
- تنقيح التحقيق فى أحاديث التعليق، شمس الدين ابو عبد الله ذهبى، تحقيق: مصطفى أبو الغيط عبد الحى عجيب، رياض: دار الوطن، ١٤٢١ق.
- تهذيب التهذيب، احمد بن على بن حجر عسقلانى، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٤ق.
- تهذيب الكمال، يوسف بن عبد الرحمن مزى، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤١٣ق.
- جامع الأحاديث الشيعية، حسين طباطبايى بروجردى، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ١٣٩٦ق.
- الجامع الصحيح (صحيح مسلم)، أبو الحسن مسلم بن حجاج قشيرى نيشابورى، بيروت: دار الجيل، بي تا.
- الجرح والتعديل، ابن أبى حاتم رازى، بيروت: مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية، ١٣٧١ق.
- جواهر الحسان فى تفسير القرآن (تفسير الثعالبى)، عبد الملك بن محمد ثعالبى، تحقيق: عبد الفتاح أبو سنة وشيخ على، بي جا، ١٤١٨ق.
- الجوهر النقى، ابن تركمانى ماردىنى علاء الدين بن على بن عثمان، بيروت: دار الفكر، بي تا.

- *دراسات فقهية في مسائل خلافية*، شيخ نجم الدين طبسى، قم: مؤسسة بوستان كتاب، ١٤٢٩ق.
- *الدرية في تخريج أحاديث الهداية*، احمد بن على بن حجر عسقلانى، تصحيح: سيد عبد الله هاشم يمانى مدنى، بيروت: دار المعرفة، بى تا.
- *دعائم الإسلام*، نعمان بن محمد مغربى بن حيون، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ١٣٨٥ق.
- *دلائل الصدق لنهج الحق*، محمد حسن مظفر نجفى، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ١٤٢٢ق.
- *رجال الكشي (اختيار معرفة الرجال)*، محمد بن عمر كشي، تلخيص: محمد بن حسن طوسى تصحيح: حسن مصطفى، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ١٤٠٩ق.
- *الرجال*، محمد بن حسن طوسى، تحقيق: جواد قيومى اصفهاني نجف: انتشارات حيدريه، اول، ١٣٨١ق.
- *الروض الأنف في تفسير السيرة النبوية*، عبد الملك ابن هشام، شرح: عبد الرحمن بن عبد الله سهيلي، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٩ق.
- *كتاب سليم بن قيس*، سليم بن قيس هلالى، تحقيق: محمد باقر انصارى زنجانى، قم: الهادى، ١٤٢٢ق.
- *سنن أبى داود*، أبو داود سليمان بن اشعث سجستانى، بيروت: دار الكتاب العربى، بى تا.
- *سنن الترمذى*، أبو عيسى محمد بن عيسى ترمذى، تحقيق و تصحيح: عبد الرحمن محمد عثمان، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٣ق.
- *السنن الكبرى*، أحمد بن حسين بيهقى، بيروت: دار الفكر، بى تا.
- *سير أعلام النبلاء*، ابو عبد الله شمس الدين ذهبى، تحقيق و تخريج و تعليق: شعيب ارنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤١٣ق.
- *شرح إحقاق الحق*، شهاب الدين مرعشى، تعليق: سيد شهاب الدين مرعشى نجفى، قم: منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى، ١٤١١ق.
- *شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام*، ابن حيون نعمان بن محمد مغربى، تحقيق: محمد حسين حسيني جلالى، قم: جامعه مدرسين، ١٤٠٩ق.
- *شعب الإيمان*، أحمد بن حسين بيهقى، تحقيق: أبى هاجر محمد سعيد بن بسيونى زغلول، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٠ق.

- الشيعة الفرقة الناجية، سعيد أبو معاش، قم: مؤسسة السيدة المعصومة عليها السلام، ١٤٢٨ق.
- الضعفاء الصغير، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل بخارى، تحقيق: محمود إبراهيم زايد، بيروت: دار المعرفة، ١٤٠٦ق.
- ضعفاء العقيلي، محمد بن عمرو عقيلي، تحقيق عبد المعطى أمين قلجى بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٨ق.
- الضعفاء والمتروكين، احمد بن على نسايبى، بيروت: دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤٠٦ق.
- الطبقات الكبرى، ابن سعد محمد بن سعد بن منيع، بيروت: دار صادر، بى تا.
- عبد الله بن سبا، سيد مرتضى عسكرى، بى جا: نشر توحيد، ششم، ١٤١٣ق.
- العلل، أبو الحسن على بن عمر دارقطنى، رياض: دار طيبة، ١٤٠٥ق.
- العلل، احمد بن محمد ابن حنبل، بيروت: المكتب الإسلامى، ١٤٠٨ق.
- عمدة عيون صحاح الاخبار فى مناقب إمام الأبرار، ابن بطريق يحيى بن حسن، قم: مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين، ١٤٠٧ق.
- الكاشف فى معرفة من له رواية فى كتب الستة، شمس الدين ابو عبد الله ذهبى، جده: دار القبلة للثقافة الاسلامية، ١٤١٣ق.
- كمال الدين وتمام النعمة، محمد بن على بن بابويه صدوق، تصحيح وتعليق: على اكبر غفارى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين، ١٤٠٥ق.
- كنز العمال، على بن عبد الملك متقى هندی، تصحيح وفهرست: شيخ صفوة السقا، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٩ق.
- المجروحين، أبو حاتم محمد بن حبان بن أحمد تميمى بستى، تحقيق: محمود إبراهيم زايد، مكة: دار الباز، بى تا.
- مجمع الزوائد، على بن ابى بكر هيثمى، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٠٨ق،
- المحلى، ابن حزم على بن أحمد، بيروت: دار الفكر، بى تا.
- المدخل الى دراسة علم الجرح والتعديل، عبد الماجد غورى، بيروت: دار ابن كثير، ١٤٢٨ق.
- المدونة الكبرى، أبو عبد الله اصبحى مالك بن أنس، مصر: دار إحياء التراث العربى، ١٣٢٣ق.
- المراجعات، سيد شرف الدين، تحقيق: حسين راضى، بى جا، بى نا، دوم، ١٤٠٢ق.

- المسانيد، محمد حياة أنصاري، بي جا، بي تا.
- المستدرک على الصحيحين، حاكم نيشابوري، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١١ق.
- مستدرکات علم رجال الحديث، علي نمازي شاهرودي، تهران: حيدري، ١٤٠٥ق.
- مسند ابي داود الطيالسي، سليمان بن داود طيالسي، بيروت: دارالمعرفة، بي تا.
- المصنف، عبد الرزاق صنعاني، تحقيق وتخريج وتعليق: حبيب الرحمن اعظمي، منشورات المجلس العلمي، بي تا.
- المصنف، عبد الله بن محمد، ابن أبي شيبة كوفي، تحقيق وتعليق: سعيد لحام، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤٠٩ق.
- معالم المدرستين، سيد مرتضى عسكري، مجمع العالمي لاهل البيت عليه السلام، ١٤٢٦ق.
- المعجم الأوسط، سليمان بن أحمد طبراني، به كوشش: طارق بن عوض الله بن محمد و عبد الحسن بن ابراهيم حسيني، مكة: دار الحرمين، ١٤١٥ق.
- معجم البلدان، ياقوت بن عبد الله حموي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٣٩٩ق.
- المعجم الصغير، سليمان بن أحمد طبراني، بيروت: دار الكتب العلمية، بي تا.
- المعجم الكبير، سليمان بن أحمد طبراني، تحقيق وتخريج: حمدي عبد المجيد السلفي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، دوم، ١٤٠٦ق.
- معجم رجال الحديث، ابوالقاسم خويي، قم: مركز نشر آثار شيعه، ١٣٦٩ش.
- مناقب آل أبي طالب، علي ابن شهر آشوب مازندراني، تصحيح: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، نجف اشرف: المكتبة الحيدرية، ١٣٧٦ق.
- موسوعة طبقات الفقهاء، جعفر سبحاني، قم: مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام، ١٤١٨ق.
- ميزان الاعتدال، شمس الدين ابو عبد الله ذهبي، بيروت: دار المعرفة للطباعة والنشر، ١٣٨٢ق.
- نفع الطيب في غصن الاندلس الرطيب، شهاب الدين أحمد بن محمد مقرئ تلمساني، تحقيق: إحسان عباس، بيروت: دار صادر، بي تا.
- نقد الرجال، مصطفى بن حسين تفرشي، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ١٤١٨ق.
- ينابيع المودة لدوى القريب، سليمان بن ابراهيم قندوزي، تحقيق: سيد علي جمال أشرف حسيني، قم: أسوه، ١٤١٦ق.